

تطور تاریخی مفهوم سکولاریسم و سکولار کردن

هنگامی که دانشمندان شروع به توضیح چگونگی کارکرد جهان، جامعه و انسان کرده بودند، راه را برای علم و سکولاریسم هموار کردند.

هر چند از جمهوری اسلامی تا طالبان، از محافظه کاران تا لیبرال‌های امریکایی به سکولاریسم حمله می‌کنند و آنرا جنگی با مذهب توده‌ها و نوعی زوال اخلاقیات در دوران معاصر می‌شمارند اما بیشتر تاریخنگاران هم‌نظر هستند که سکولاریسم و که سکولاریزاسیون در دوره ای به وجود آمد که به عنوان «دوران جدید آغازین»¹ شناخته می‌شود - دورانی بین سال‌های ۱۵۰۰ و ۱۷۵۰، زمانی که علم، سرمایه‌داری، بحران مذهبی و رشد دولت‌های متمرکز برای تغییر شکل آگاهی غربی با هم متحد شدند.

مفاهیم سکولاریسم اغلب آگاهانه و مودینه به اشتباه تعبیر می‌شوند. سکولاریسم و سکولاریزاسیون، هرگز به معنای بی‌خدایی نبود و نیست. در بیشتر موارد، اروپاییان «دوران جدید آغازین» که برای سکولاریسم مبارزه می‌کردند، عمیقاً مسیحی بودند. ولی برای آنها مرز بین امور دینی و دنیوی بیشتر از پیش مشخص شد. سپهر پوشش دین کوچکتر شد، به طوری که بسیاری از بیم‌ها و امیدهایی که پیش از این به زبان دینی بیان می‌شد، به صورت دنیوی بیان شد. سکولاریسم مبتنی بر درک این شناخت فروتنانه استوار است که حقایق ابدی برای عقل انسانی غیرقابل دسترس هستند. تنها بینش محدودی که تجربه ما در این دنیا به دست می‌دهد، به امور دنیوی بشر مربوط است.

با سکولاریزاسیون در جامعه غربی، تغییرات چشمگیری در زندگی مادی مردم بوجود آمد. در همه جا بازار ایجاد شد. دنیای سکولار تازه در حال ظهور، دنیایی بود پر از چیزهای جدید: ادویه‌ها، تنباکو و شکلات از دنیای جدید. ابریشم و فیروزه از ترکیه عثمانی، چینی و گلدوزی از خاور دور.

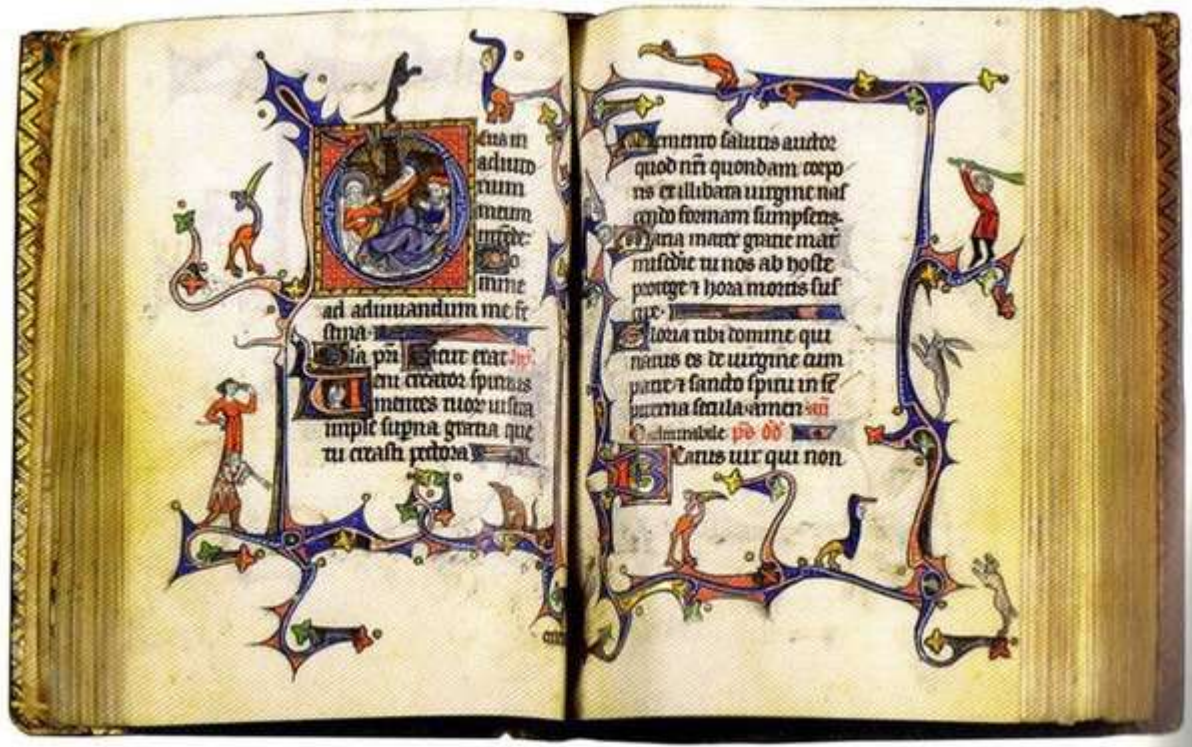
علاوه بر مجموعه سرسام‌آور اشیاء طبیعی و مصنوعی عجیب و غریب وارداتی، اروپایی‌ها خود اختراعات، نوآوری و مدهای جدید بی‌شماری ابداع کردند، از آن میان ساختن داروها از تجربه و با تقطیر کیمیاگری، بافتن پارچه‌های پنبه‌ای که به رنگ قرمز درخشان با قرمز دانه مکزیکی² رنگ شده بودند، جواهرات و تزئین‌های لباس که با سنگ‌های قیمتی گرانبها و نفیس از کلمبیا، که از طریق بندر هرمز به اروپا حمل می‌شد. همه‌ی این چیزهای عجیب و غریب داستانی شگفت داشت و دانستن اینکه کدام داستان‌ها واقعی هستند، کار ساده‌ای نبود. درک جهان اطراف و دنیای مادیات برای مردم بی‌نهایت مهم شده بود.

نیاز به دانستن و کنجکاوی درباره اینکه پدیده‌ها و ابزارها چگونه کار می‌کنند با انبوهی از کتاب‌های «چگونه-می‌توان»³ برای خوانندگان با استفاده از چاپخانه‌های جدید، برآورده می‌شد. کتاب‌های مربوط به مهارت‌های مکانیکی توسط توپچی‌ها، معماران، صنعتگران و مهندسان در قرن پانزدهم در نسخه‌های خطی نوشته شدند. آن رساله‌های نخستین، که بسیاری از آن‌ها به شکلی مجلل مصور شده بودند، توسط متخصصان هر رشته برای سایر متخصصان و عموم نوشته و تا آن زمان به طور گسترده توزیع نشده بودند. اما، نویسندگان با تشریح فرآیندهای مکانیکی و بیان چگونگی کارکرد ابزارها و پدیده‌ها - برخلاف اسرار صنفی و گاه خانوادگی بودن آنها - شروع به تبدیل مهارت‌های مکانیکی از دانش شخصی و خانوادگی به دانش علمی و عمومی کردند. وقتی لئوناردو داوینچی شروع به فکر کردن در باره‌ی ماشین‌ها کرد، این فرآیند انتشار عمومی دانش به خوبی در جریان بود.

¹ دوران جدید نخستین (Early modern period) بخشی از تاریخ نوین، و در دوره‌ی زمانی اواخر سده‌ی میانه و تاریخ پساکلاسیک واقع است. گرچه بازه‌ی زمانی این عصر به‌طور کامل مشخص نیست، اما دوران آن در فواصل عصر پسا کلاسیک (۱۵۰۰ میلادی)، سقوط قسطنطنیه (۱۴۵۳ میلادی)، رنسانس، عصر کاوش (به‌خصوص سفرهای کریستف کلمب در ابتدای ۱۴۹۲)، و کشف مسیر دریایی به شرق (۱۴۹۸) قرار داشته و در نهایت به عصر انقلابها (۱۸۰۰ میلادی) و به‌خصوص انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) ختم می‌شود. مهمترین ویژگی این دوره نوعی جهانی شدن بازرگانی است که همراه با اکتشاف و استعمار سرزمین‌های جدید توسط اروپاییان می‌باشد.

² قرمز دانه مکزیکی (Cochineal) حشره‌ای است که از بدن آن ماده‌ای رنگرزی به همین نام استخراج می‌شود. این حشره که از شیره گیاهان به‌ویژه برخی انواع کاکتوس تغذیه می‌کند بومی مناطق گرمسیری آمریکای جنوبی و مرکزی است.

³ how-to book



انقلاب کتابخوانی در قرن شانزدهم در اروپا با انبوهی از کتابچه‌های راهنما همراه بود که اسرار هنر و فنون را به تفصیل بیان می‌کردند، مخاطبان مشتاقی از خوانندگان در عموم مردم پیدا کردند. این کتابچه‌های ساده و کاملاً کاربردی، عادات پنهانکاری پیشه‌وری را رد می‌کردند و سکولاریسم را تقویت می‌نمودند و مردم بیشتری به حقایق زمینی دسترسی می‌یافتند و به آنها علاقه می‌شدند. در عصر ظهور کتاب‌های «چگونه می‌توان»، ساختن کلید دانستن بود.

در سال ۱۵۳۵، یک چاپخانه فرانکفورتی به نام کریستین اگنولف^۴ کتابچه Kunstbüchlein (کتابچه مهارت‌ها) را منتشر کرد. این جزوه که با قیمت ارزان روی کاغذ ضخیم چاپ شده بود برای عرضه در نمایشگاه کتاب فرانکفورت آن سال، کسی فکر نمی‌کرد کاندیدای احتمالی ایجاد یک تحول بنیادی به نظر آید. اما از بسیاری جهات، دقیقاً همین کار را انجام داد: نه یک انقلاب علمی – که بعداً رخ داد – بلکه انقلابی در نحوه نگرش مردم به علمی که مدت‌ها (به دلایل موجه) با سوء ظن و بی‌اعتمادی به آن نگاه می‌کردند.

امروزه، وقتی به کیمیاگری فکر می‌کنیم، معمولاً این واژه را با جست‌وجوی شبه‌عرفانی اما توهم‌آمیز برای سنگ فلاسفه^۵، یا با طرح‌هایی مبهم برای ایجاد طلا از فلزات پایه^۶ مرتبط می‌کنیم. این کلیشه‌های منفی تا حدودی توجیه‌پذیر هستند. کلاهدراری کیمیاگران در اروپا بیداد می‌کرد. جای تعجب نیست که پاپ جان بیست و دوم^۷ در سال ۱۳۱۷ میلادی با صدور بیانیه‌ای این مهارت را محکوم کرد و کیمیاگران مجبور شدند مهارت خود را مخفیانه تمرین کنند. در کیمیاگری، متخصصان بیش از آنچه می‌توانستند و عده می‌دادند، به عنوان نمونه در سال ۱۵۹۶ میلادی گئورگ هونائر^۸ تضمین کرد که خزانه دوک وورتمبرگ^۹ را که پول نقد نداشت، با تبدیل آهن به طلا پر کند. نیازی به گفتن

^۴ Christian Egenolff

^۵ سنگ جادو یا سنگ فلاسفه (Philosopher's Stone) جسمی بوده‌است که به‌وسیله آن اجسام کم‌ارزش را به اجسام پرازش تبدیل می‌کردند. این جسم لزوماً سنگ نیست. سنگ فلاسفه چیزیست که به سختی سنگ و انعطاف‌پذیری موم باشد و ابزارهای افسانه‌ای در کیمیاگری است که تصور می‌شده می‌تواند فلزات را به طلا تبدیل کند. گاه به آب حیات نیز گفته می‌شد، که برای بازجویی و احتمالاً دستیابی به انوشکی (نامیرایی) بکار می‌رفت. سنگ جادو برای مدتی طولانی جُستنی‌ترین هدف در کیمیا غرب بوده‌است.

^۶ فلز پایه به فلزاتی می‌گویند که به آسانی اکسیده می‌شوند. برای نمونه، آهن، نیکل، سرب و روی و مس. هدف دراز مدت کیمیاگران، تبدیل فلزات پایه به فلزات گران‌بها بود.

^۷ Pope John XXII

^۸ Georg Honauer

^۹ Duke of Württemberg

وورتمبرگ نام سرزمینی تاریخی در کشور آلمان است که همراه با بادن و هوهنتسولرن، دو سرزمین تاریخی دیگر، امروزه ایالت فدرال بادن-وورتمبرگ را تشکیل می‌دهند.

نیست که طرح جنون آمیز او با وجود حمایت پرهزینه دوک شکست خورد. هوناور که به اتهام کلاهبرداری محکوم شد، از چوبه دار ۹ متری ساخته شده از آهنی که دوک برای آزمایش های کیمیاگر تهیه کرده بود به دار آویخته شد.

اما کیمیاگری به اهداف پیش پا افتاده و عملی تری نیز خدمت می کرد. زنان با تهیه آب مقطر برای مصرف دارویی و آرایشی، در آشپزخانه کیمیاگری می کردند. متالورژیست ها زمانی که فولاد را گرم می کردند و کیفیت های جدید و بهبود یافته ای به آن می بخشیدند، کیمیاگری می کردند. هنگامی که زنان عرق آکوویت¹⁰، را در ظرف های آشپزی تقطیر می نمودند، کیمیاگری می کردند. انقلابی که بی سر و صدا توسط کتابچه مهارت های اگنولف اعلام شد، این بود که نقشی جدید و عملی برای کیمیاگری تعریف کرد و اهداف کیمیاگری را به دور از طرح های بلندپروازانه و فریبنده و به سوی دغدغه های روزمره تغییر داد.

کتابچه ای اگنولف گنجینه ای از اطلاعات عملی بود. این کتابچه شامل دستور العمل هایی درباره رنگدانه ها برای هنرمندان، تکنیک هایی برای سخت کردن فولاد و آهن، دستور العمل هایی برای حکاکی و آبکاری فلزات، و دستور العمل هایی برای رنگرزی پارچه ها و از بین بردن لکه ها از لباس بود. به طور خلاصه، این کتابچه راهنمای همه منظوره جامع فناوری خانگی و صنعتی در اواخر سده ی میانه بود.

در راستای این کارکرد کتابچه، عنوان یک بخش آن "Rechter Gebrauch d'Alchimei" (استفاده درست از کیمیاگری) بود. اگنولف توضیح داد که این کتابچه «بسیاری از مهارت ها و هنرهای پنهان، مفید و دلپذیر را که قبلاً پنهان شده بود، نه فقط برای خوشحال کردن کیمیاگران، بلکه برای بهره مند شدن همه کارگران ماهر» آشکار می کند. اگنولف با چشم پوشی از دیدگاه های شبه جادویی کیمیاگری در مورد ماده و مواد، دستور العمل های ساده ای را منتشر کرد، عمدتاً دستور العمل هایی که هر کسی می توانست از آن پیروی کند. برای نشان دادن تضاد بین «استفاده درست از کیمیاگری» و سوء استفاده از آن، کتابچه با یک شعر اخطار دهنده پایان می یافت:

هشت چیز پیامد کیمیاگری است:

دود، خاکستر، بدگویی فراوان و خیانت،

آه های عمیق و کار طاقت فرسا،

فقر و تنگدستی بیجا

اگر می خواهی از همه اینها آزاد باشی،

از کیمیاگری دوری کن.¹¹

کتابچه کوچک اگنولف در فرهنگ عامه راه یافت. دستور العمل های آن که پیوسته تجدید چاپ و ترجمه می شد، اسرار حرفه ای بی شمار قرن شانزدهمی را در سراسر اروپا منتشر می کرد. این کتابچه همچنین الهامبخش انواع دیگر کتاب های «چگونه می توان» شد. صنعتگران مشتاق مهارت های جدید آموختند، همزمان خوانندگان عادی اسرار تجاری را که قبلاً پنهان بود، یاد گرفتند. کتابچه مهارت های اگنولف با تبدیل اسرار مهارت های صنایع دستی به قوانین و روش های ساده، جایگزین کردن مهارت های مخفی پیشه وران را با تولید انبوه مبتنی بر دانش فنی مبتنی بر «چگونه می توان» برای صنعتگران تسریع کرد.

صدها هزار «کتاب اسرار» گوناگون در قرن ۱۶ و ۱۷ در سراسر اروپا چاپ و توزیع شد. تقریباً برای هر هنر و فعالیت قابل تصور - هر نوع دانش سکولار - از جمله رابطه جنسی، کتاب هایی وجود داشت. راهنماهایی وجود داشت که نحوه انتخاب همسر خوب را آموزش می داد، کتابچه راهنمای ماماها که فن های صحیح زایمان را آموزش می داد، کتابچه هایی که ترندهای تولید و تجارت را آشکار می کردند، و دستور العمل هایی که به والدین آموزش می دادند چگونه فرزندان را به درستی تربیت کنند. کتابچه های راهنمای خودیاری پزشکی بخش بزرگی را تشکیل می دادند. به عنوان مثال، کتاب هایی وجود داشت که نحوه راه اندازی یک کارگاه تقطیر و ساخت اکسیرها و شربت های پزشکی، عطرها و مایع های آرایشی از گیاهان را آموزش می داد که شاخه دیگری از «کاربرد درست کیمیاگری» به شمار می رفت.

¹⁰ آکوویت (aquavit، akevitt، aquavit، Akvavit) یک نوع عرق است که عمدتاً در اسکاندیناوی و شمال آلمان از قرن ۱۵ میلادی از غلات یا سیب زمینی تقطیر می شود. واژه aquavit از کلمه لاتین aqua vitae به معنای «آب زندگی» گرفته شده است.

¹¹ چقدر سرگذشت کیمیاگران سده ی میانه با سرنوشت نویسنده گان و پژوهشگران ایرانی دوران ما شباهت دارد.

با انتشار گسترده‌ی کتاب‌های چاپ شده، اسرار تجاری رمز و راز خود را از دست دادند. کتاب‌های اسرار بیش از پیش روشن می‌کردند که یک دستورالعمل می‌تواند به طور مؤثر جایگزین راز یک پیشه‌ور شود، و آنچه قبلاً به عنوان معما و راز تلقی می‌شد، اکنون می‌توانست صرفاً به عنوان یک مهارت تلقی شود. کتاب‌های اسرار که از چاپخانه‌ها پخش می‌شدند، فرهنگ جدید کنجکاوانه به وجود آوردند که بر زندگی روزمره در اروپای مدرن نخستین تأثیر داشت.



یکی دیگر از کتاب‌های «چگونه-می‌توان» بسیار مشهور دوران نوزائی که مسیر تاریخ را تغییر داد، کتاب شه‌ریار¹² (۱۵۳۲) اثر نیکولو ماکیاولی بود - متنی عمیقاً عمل‌گرایانه درباره چگونگی کسب قدرت و حفظ آن. این تصویر سنتی شاهان نبود و ویژگی‌های حاکم مطلوب و آرمانی را توضیح می‌داد. این یک کتاب راهنمای به‌غایت واقع‌گرایانه خط‌سیر سیاست‌های مزورانه، سالوسانه و خائنانه دوره‌ی نوزائی با دقت ترسیم می‌کرد.

همانگونه که کتابچه مهارت‌های اگنولف از کیمیاگری ابهام زدایی می‌کرد، کتاب شه‌ریار ماکیاولی اسرار حکومت داری را آشکار می‌کرد و برای مثال توضیح می‌داد که آیا برای شاه بهتر است رعایا از او بترسند یا دوستش داشته باشند (پاسخ او، همانطور که شاید خیلی‌ها اکنون می‌دانند، این است که اگر چه پادشاه دوست دارد هر دو را داشته باشد، اما اگر نمی‌تواند، بهتر است از او بترسند). پس از ماکیاولی، نظم سیاسی دیگر به عنوان یک سایه زمینی از نظم آسمانی یا الهی تلقی نمی‌شد، بلکه ساختاری انسانی بود که برای خدمت به منافع و علایق کنونی، این‌جهانی و عملی عده‌ای حاکم طراحی شده بود.

ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، در کتاب دوران‌ساز خود، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری¹³ (۱۹۰۵)، درباره «افسون‌زدایی¹⁴ از جهان» که در اوایل دوره مدرن رخ داد، نوشت، یک تغییر فرهنگی بنیادی بود که او آن را نشانه‌ی ویژه‌ی مدرنیته می‌دانست. وبر گفت که این تغییر مستلزم این اعتقاد است که "هیچ نیروی غیر قابل محاسبه و اسرارآمیز" در طبیعت وجود ندارد. جهان طبیعی - حداقل در مبادی و اصول - قابل شناخت، قابل پیش‌بینی و دستکاری

¹² Niccolò Machiavelli, The Prince

¹³ Max Weber, The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism (آلمانی Die protestantische Ethik und der Geist des Kapitalismus)

¹⁴ افسون‌زدایی (به انگلیسی Disenchantment و به آلمانی Entzauberung) عبارت از خردورزی فرهنگی و کاهش ارزش خرافات و باورهای مذهبی در جامعه مدرن است. ماکس وبر برای توصیف ویژگی‌های جامعه مدرن نیزه، بوروکراتیک و سکولار شده‌ی غربی این اصطلاح را از فریدریش شیلر وام گرفته است. به گفته وبر، در جامعه غربی، درک علمی پیش از باور مذهبی ارزش دارد و فرایندها به سمت اهداف خردورانه می‌رود، برخلاف جامعه سنتی که در آن جهان به عنوان یک باغ بزرگ افسون شده تصور می‌شد.

است. در دنیای افسون‌زدائی‌شده، همه چیز قابل‌درک و رام‌شدنی است، حتی اگر هنوز درک و رام نشده باشند. وبر به جای «باغ بزرگ افسون‌شده» در اواخر سده میانه - یک دولت عدنی که با الهام الهی از سوی کشیشان هدایت می‌شود - جهان مدرن اولیه را انسان محور و کهنکشان را مرده، فاقد شخصیت و بی‌فاعل می‌دید.

به نظر وبر، راه به سوی سکولاریسم از قلمرو مذهبی آغاز شد. او افسون‌زدائی و رفع توهم را به اصلاحات پروتستانی نسبت داد که، به گفته او، ایمان و باورها در مورد شمول قوانین مقدس و شرعی در همه‌ی عرصه‌ها را خدشه‌دار کرد. آثار مقدس کارایی خود را از دست دادند و آیین‌های مقدس دیگر به طور خودکار مصلحت الهی به شمار نمی‌آمدند. مذهب که از تشریفات جادویی «خرافات» رها شده بود، به اعتقاد درونی تبدیل شد. اما در این ادعا وبر جای تردید است. اصلاحات کمک‌چندانی به تقویت حصار بین امر مقدس و امر دنیوی نکرد. اصلاح‌طلبان پروتستان هرگز این تصور را که شریعت نمی‌تواند در امور دنیوی مداخله کند را رد نکردند. اصلاح‌طلبان به شدت از قدرت خداوند در مجازات، تنبیه و پاداش افراد و جوامع دفاع کردند. پروتستان‌ها دخالت شریعت در دنیای سکولار را انکار نکردند، فقط به دستور انسان این کار را نمی‌کردند.



کلیسای کاتولیک ضد اصلاحات نیز مرزی بین امور مقدس و امور دنیوی نمی‌کشید، بلکه در عوض فریب عجیب و غریب مذهبی خود را ترویج می‌کرد، مانند برگزاری آیین مقدسین. به گفته مورخ رابرت اسکریبنر¹⁵، "جهان اخلاقی شده"، جهانی شد پر از فرشتگان و شیاطین، جهانی که در آن تولد یک کودک ناقص یا ظهور یک ستاره دنباله دار به عنوان نشانه یا هشدار از خشم قریب الوقوع الهی معرفی می‌شد.

واقعیت این است که دنیای اخلاقی اواخر قرون وسطی رو به زوال گذاشت - اما نه به دلیل یورش مسیحیت اصلاح‌شده، آنطور که وبر می‌خواست. بلکه، با رشد سواد، علم و فن در تمام زمینه‌های فرهنگی، در نتیجه گسترش سریع چاپخانه. در کمتر از یک قرن، اختراع یوهانس گوتنبرگ از قلب اروپا به دورترین نقاط آن گسترش یافت. در اوایل قرن شانزدهم، شهر سالامانکا در اسپانیا دارای ۵۲ چاپخانه و ۸۴ کتابفروشی بود.

¹⁵ Robert W. Scribner



اولویت صنعت چاپ و کتابچه‌های «چگونه‌می‌توان» روشن می‌کند که چرا افسون‌زدائی جهان غرب با احیای به ظاهر متناقض جادوی باستانی همزمان شد. واضح است که وقتی هرمتیسم¹⁶ در میان روشنفکران رنسانس بطور گسترده رایج شد، علاقه هرمتی باستان به جادوی ماشین‌ها کنار گذاشته شد. ماشین‌های خودکار، جرثقیل‌ها و ابزارهای محاصره¹⁷ دیگر به عنوان منبع شگفت‌انگیز قدرت‌های پنهان دیده نمی‌شدند. آنها فقط اختراعات مکانیکی بودند. گسترش کتاب‌های راهنمای فنی و کتاب‌های افشای اسرار این اندیشه را گسترده کردند که خود ماشین‌ها به نحوی جادویی هستند. انسان‌گرایان دوران نوزائی سحر و جادو را ستایش می‌کردند نه به این دلیل که به ماشین‌ها قدرت جادویی می‌بخشید، بلکه به این دلیل که ظرفیت و استقلال انسان‌هایی را که رویای جادوگری را در سر می‌پروراندند را افزایش دادند.

دانش فنی به «افسون‌زدایی از جهان» که مورد نظر وبر بود منجر شد. این توهم‌زدائی نتیجه‌ی مستقیم آن کتابچه‌های چگونه‌می‌توان بود که اسرار صنایع دستی پیشموران را به زبان ساده بیان می‌کردند. خوانندگان کتاب‌های اسرار ممکن بود متوجه نشده باشند که چرا مواد خاصی آهن را سخت می‌کنند یا رنگ‌ها را بادوام می‌سازند، اما درک بهتری در مورد چگونه‌می‌توان این کارها را انجام دهند، پیدا کردند. دنیای صنایع دستی - مانند دنیای سیاست - سحرآمیزی خود را از دست داد. خود را از یوغ الهی رها کرد.

دلیل خوبی وجود داشت که چرا کتابچه‌های فنی اغلب به عنوان «کتابچه اسرار» نامیده می‌شدند. زیرا آنها نه تنها شیوه‌های تجاری کاملاً محافظت شده را آشکار کردند، بلکه در دنیای آنها دیگر «رازهایی» به معنای نیروهای پنهان مرموز و اسرارآمیز در طبیعت وجود نداشت. بیشتر کتاب‌های چگونه‌می‌توان به شکل کتاب‌های دستورالعمل بودند.

¹⁶ هرمتیسم یا هرمتیسم (Hermetism) فلسفه و مذهبی است که بر اساس نوشته‌های هرمتس تریسمیستوس ایجاد شد. این مکتب بر جنبش‌های عرفانی غرب بسیار تأثیر داشته و در دوره رنسانس و روشنگری مورد توجه زیادی قرار گرفته‌است. مکتب هرمتیسم به زمان‌های بسیار قدیم بازمی‌گردد و به‌طور موازی با مسیحیت، گنوسیسم، فلسفه نوافلاطونی و فلسفه‌های یونانی گسترش یافت. نوشته‌های هرمتیسم مجدداً در سال ۱۴۶۰ میلادی به وسیله کشیش ی لئوناردو دا پاستویانام باری دگر به دنیای غرب وارد شد. او متنهای هرمتیسم را به اروپا آورد و به لاتین ترجمه کرد.

¹⁷ ابزارهای محاصره یا شهربند ابزارهایی بودند که زمان محاصره نظامی برای در هم شکستن دیوار شهرها، حصار قلعه‌ها و دیگر انواع باروها بدست ارتش مهاجم به کار می‌رفت. نخستین ابزارهای محاصره شامل برج متحرک و دژکوب‌ها توسط آشوریان در سده نهم پیش از میلاد استفاده شد.

اعتبار یک دستور العمل به طور سرشتی مبتنی بر دیدگاه افسون‌زادگی شده‌ی وبری از جهان است، زیرا اثربخشی دستور العمل بر این فرض استوار است که طبیعت قابل شناخت، قابل پیش‌بینی و تکرارپذیر است.

از آنجا که سکولاریسمیون مفهوم نظم کیهانی و متافیزیکی را زیر و رو کرد، ظهور کتاب‌های چگونه‌می‌توان بذر دیدگاهی بازتر و روادارتر از انسانیت را کاشت. تفاوت‌های ریشه‌ای میان مردم و فرهنگ‌ها، که از رویارویی اروپایی‌ها با قاره آمریکا به وضوح آشکار گردید، الهامبخش تلاش‌هایی برای درک ویژگی و آداب و رسوم مردم بومی شد. میلیون‌ها غیراروپایی، که وجودشان یک نسل قبل کاملاً ناشناخته بود، اروپایی‌ها ناگهان با آنها آشنا شدند.

زمانی که اروپا، جهان جدید، قاره آمریکا را کشف کرد، نیاز مبرمی به درک تنوع قومی ایجاد شد. این نیاز قلمرو اعتبار و مرجعیت دینی را بیش از پیش کوچکز کرد و در درازمدت علم مردم‌شناسی تطبیقی¹⁸ را به وجود آورد.

با نگاهی به تاریخ افسون‌زدایی طبیعتاً این سؤال مطرح می‌شود که آیا جهان می‌تواند بازخراافات‌زده و بازافسون‌زده¹⁹ شود؟ نشانه‌های نگران‌کننده‌ای وجود دارد که حداقل در عرصه سیاست می‌تواند. در اینجا نیز و بر بینه مهمی ارائه کرد. او خاطر نشان کرد که بوروکراسی‌ها در اجرای قوانین خوب هستند اما لزوماً در تعریف اهدافی که الهامبخش آنها هستند، خوب نیستند. این پدیده فضایی را برای ظهور رهبران کاریزماتیک²⁰ باز می‌کند که این اهداف را دوباره تعریف می‌کنند و گاهی اوقات در فرآیند، سیستم سیاسی را دگرگون می‌کنند. کاریزما کاملاً افسون‌کننده و مسحورگر است. قدرت، افسون‌کنندگی و جادوی غیرمنطقی خود را دارد، به‌ویژه در بستر جامعه ناآگاه، شهروندان با دانش علمی و اجتماعی اندک، عدم استقلال اندیشه و با رهبران کاریزماتیک با امکانات مادی و تبلیغی زیاد.



یک سیستم سیاسی دموکراتیک باید سازوکاری برای افسون‌سازی داشته باشد، سیستمی که از به قدرت رسیدن عوام فریب‌ها، شیادان و جلدان، از طریق کاریزمای خود، جلوگیری کند.

¹⁸ comparative ethnology

¹⁹ re-enchanted

²⁰ فرّه‌مندی یا کاریزما (Charisma به یونانی $\chi\acute{\alpha}\rho\iota\sigma\mu\alpha$ با تلفظ «خاریسما») در لغت به معنی جذابیت غیر عادی و دارا بودن صفت‌های ویژه و ممتاز و منحصر به فردی است که مورد پسند و ستایش تعداد زیادی از دیگر انسان‌هاست. جاذبه‌ای فردی که کارایی جمعی و اجتماعی دارد. به لحاظ ریشه‌شناسی، «کاریزما» به معنای «جاذبه ذاتی» است که خود از «خاریتاس» به معنای متانت، جذابیت، برکت، و موهبت می‌آید. کاربرد مدرن کاریزما با ماکس وبر، جامعه‌شناس آلمانی، در اوایل قرن بیستم آغاز شد. وبر با طرح «اقتدار کاریزماتیک» اسباب رواج این اصطلاح را فراهم کرد. وبر در طرح خود برای طبقه‌بندی و تحلیل شیوه‌ها و سرچشمه‌های «حاکمیت مشروع»، در کنار «اقتدار سنتی» و «اقتدار عقلانی - قانونی»، به نوع سوم از حاکمیت قائل شد که مشروعیت خود را از کاریزمای متجلی در وجود یک رهبر برجسته می‌گرفت، رهبری که به شیوه‌ای سکولار و دنیوی بر خصلت‌های استثنایی و شبه‌الاهی‌اش اتکا داشت و با «اقتدار کاریزماتیک» اش بر انبوه مردم حکومت می‌کرد. وبر در دو کتاب «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» و «اقتصاد و جامعه»، بر این باور است که اقتدار کاریزماتیک از «وفاداری و سرسپردگی» انبوه مردم به «قداست، قهرمانی، یا خصایص بی‌بدیل یک شخص و الگوها و نظامی که بنیان‌نهاد» نشأت می‌گیرد. رهبران کاریزماتیک همچون هیتلر، موسولینی، استالین و خمینی به ورطه بدنامی و بی‌اعتباری افتاده‌اند و رهبرانی چون گاندی، نهرو و ماندلا با علاقه و احترام یاد می‌شوند و الهامبخش رواداری و آزادی هستند.

کاریزما بر پایه احساسات استوار است، نه درک دقیق از قوانین اجتماعی و اقتصادی و در شرایط بحرانی به وجود می‌آید. رهبران کاریزماتیک با درک بحران و با دستکاری پراوهم و متوهم در اطلاعات در رسانه‌ها خود را تبلیغ می‌کنند.

پادشاهان و روحانیون با همه‌ی حماقت خود به تاثیر پیشرفت‌های صنعتی، علمی و فنی در رشد مردم و خطری که از این راه استبداد شرقی و خرافات اسلامی را تهدید می‌کرد دریافتند و با همه‌ی توان جلوی رشد فن و دانش در خاور میانه را گرفتند. صنعت چاپ جدید پس از چهارصد سال پس از اختراع آن در ایران رایج شد. مدارس و دانشگاه مبتنی با علوم جدید تا به امروز با دشمنی حاکمان و روحانیون دست و پنجه نرم می‌کنند.

حکومت‌های دینی چه در مسیحیت و چه در اسلام، کارنامه سیاهی دارند. بر بستر این کارنامه سیاه، زمانی ایدئولوژی‌های سکولار مانند ناسیونالیسم، سوسیالیسم، سرمایه‌داری بازار آزاد و سایرین به طور گسترده در سیاست و ساختن جوامع مدرن دست به کار شدند.

بر بستر سیاست‌های استعماری و امپریالیستی و اشتباهات دولت‌های سکولار در جهان سوم، بحران‌ها و مشکلات، گروه‌های مذهبی توانستند ایدئولوژی‌های جایگزین عوام‌فریبانه و آرمانگر یانه ارائه کنند، توده‌های ناآگاه و مذهبی را بسیج و سازمان‌های دینی-سیاسی بزرگ، خشن، متعصب، خودحق‌پندار، جهادی مؤثری ایجاد کنند و در برخی از کشورهای جهان سوم قدرت را به دست گرفتند و در سیاست، اقتصاد، صلح و امنیت جهانی تاثیرهای منفی چشمگیر گذاشتند.

برآمدن اسلامگرایی سکولاریسم در کشورهای سکولار را هم در حالت تدافعی قرار داد و سیاست‌مداران مذهبی در این کشورها حمله‌های خرنده و مذبح‌خانه خود را شروع کردند. اگرچه ایالات متحده با جهان جنوب بسیار متفاوت است، شاهد ظهور سیاست‌های مذهبی از حدود سال ۱۹۷۰ تا حدی واکنشی به اقدامات سکولار دولتی هستیم. دیوان عالی که به پرونده‌های مطرح شده توسط «اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا»²¹ پاسخ می‌دهد، تنها در دهه ۱۹۳۰ احکامی را مبنی بر جدایی دولت-کلیسا در ایالت‌ها را آغاز کرده است. پس از جنگ جهانی دوم چندین اقدام دولتی سکولاریزه کننده وجود داشت، اما مخالفان ضدسکولار بر دو تصمیم دادگاه عالی متمرکز شده اند، غیرقانونی کردن عبادت در مدارس در سال ۱۹۶۲ و قانونی شدن سقط جنین در سال ۱۹۷۳. نگرانی قبلی راست مذهبی در مورد نظریه تکامل نیز ادامه یافته است. همچنین تمرکز بر مخالفت با آموزش مدارس در مورد همجنس‌گرایی یا حتی در مورد سکس. پس از سال ۲۰۰۱، دولت ایالات متحده تحت ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش، کمتر سکولار شد، و بودجه فدرال را برای برنامه‌هایی «مبتنی بر ایمان» تصویب کرد و با مخالفت‌های مذهبی در مورد پژوهش‌های سلول‌های بنیادی و تأمین بودجه برنامه‌های بین‌المللی که شامل نامبردن از سقط جنین می‌شود، موافقت کرد.

بسیاری از تغییراتی که توسط سکولاریزاسیون دولتی ایجاد شد، با روی کار آمدن احزاب مذهبی، همانطور که در ایران و ترکیه و افغانستان می‌بینیم، حفظ شده‌اند. مخالفان سکولاریسم عمدتاً با مشکلات اجتماعی، اقتصادی و نارضایتی گسترده مردم به ویژه جوانان و زنان روبرو هستند. آنها بیشتر بر اموری چون پوشش مذهبی، جدایی زن و مرد، جلوگیری از تحصیل زنان و نگهداشتن آنها در خانه، دشمنی با ادیان و مذاهب و خداناباوری، جلوگیری از سقط جنین، گسترش جهادگری، جلوگیری دانش‌های نوین و خرافه‌ستیز متمرکز هستند.

ظهور مجدد حکومت‌های شرعی در ایران، سومالی و افغانستان و به نوعی ترکیه، و برآمدن طالبان، داعش، بوکوحرام و ... خاطره‌ی فراموش‌شده‌ی سده میانه را زنده کرده است.

ایدئولوژی‌های ضدسکولار منسجم‌تر، گستاخانه‌تر و وحشیانه‌تر از آنچه بودند، ظاهر شدند. آنها سلاح‌ها جنگی پیشرفته و رسانه‌های تبلیغاتی که در سایه‌ی پیشرفت علمی و صنعتی سکولاریسم تکامل یافت را برای اشاعه خرافات، تحمیق توده‌ها و گسترش جنگ و جهاد بکار می‌گیرند، اما با کارنامه‌ی تاریخی و معاصر آنها مقاومت جدی در سراسر

²¹ اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا (American Civil Liberties Union, ACLU) شامل دو سازمان غیرانتفاعی می‌باشد یکی از آن‌ها بر روی امور قضایی و ارتباطات این اتحادیه تمرکز دارد و سازمان دیگر بر روی موضوع لابی‌گری در قوه مقننه. این اتحادیه مأموریت خود را دفاع و حفاظت از حقوق فردی و آزادی‌های تضمین شده در قانون اساسی آمریکا اعلام کرده‌است. برخی از مواضع اتحادیه به شرح زیر است: آزادی مذهبی، حمایت از لغو قوانین جزایی علیه هروئین، کوکائین و ماری‌جوانا، جدایی دین از سیاست، حمایت از آزادی بیان و خبر، حمایت از لغو مجازات اعدام، حمایت از حقوق تولید مثل همچون پیشگیری از بارداری و سقط جنین، حمایت از حقوق کامل شهروندی برای گروه‌های ال‌جی‌بی‌تی.

کشورهای اسلامی برای راندن مذهب از سپهر عمومی به سپهر خصوصی به سرعت در حال رشد است. حکومت‌های شرعی با مقاومت بی‌نظیر جوانان و زنان روبرو هستند.

سیاست مذهبی در ژاپن و چین و در بیشتر اروپا اهمیتی ندارد. به نظر می‌رسد سکولاریسم در کشورهای غربی که در حال رشد و در رفاه و در کشورهای غربی که منابع قابل توجهی به شبکه‌های ایمنی اجتماعی اختصاص داده‌اند، مانند اروپای غربی و کانادا، قوی‌تر است. با این حال، حضور جمعیت مسلمان در اروپای غربی، با عدم شناخت اروپائیان از عمق عقب‌ماندگی و درجه خشونت و درنده‌خوئی اسلامگرایان و جهادگران اسلامی و عدم شناخت غرب از دروغ‌گوئی و غیرقابل اعتماد بودن رهبران مسلمان، سوء استفاده مسلمانان از رواداری، دموکراسی، امکانات امنیت شخصی، اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ی رفاه غربی، مشکلاتی را برای سکولاریسم اروپایی ایجاد کرده است و می‌کنند. اما در در خاور میانه، مردم با تجربه روزانه‌ی حکومت‌های شرعی مجهز با امکانات تکنولوژیک و فنی مدرن، عزم خود را برای راندن دین به سپهر خصوصی، جایگزین کردن حکومت دینی با حکومت سکولار و قوانین شرعی به قوانین وضعی جزم کرده‌اند.

احد قربانی دهناری

۹ تیر ۱۴۰۱ - ۳۰ ژوئن ۲۰۲۲

[برای مطالعه بیشتر](#)

- Berkes, Niyazi. *The Development of Secularism in Turkey*. Montreal: McGill University Press, 1964.
- Bruce, Steve, ed. *Religion and Modernization: Sociologists and Historians Debate the Secularization Thesis*. Oxford: Clarendon, 1992.
- Chadwick, Owen. *The Secularization of the European Mind in the Nineteenth Century*. Cambridge, U.K.: Cambridge University Press, 1976.
- Dobbelaere, Karel. "Secularization: A Multidimensional Concept." *Current Sociology* 29, no. 2 (1981): 3–213.
- Jacoby, Susan. *Freethinkers: A History of American Secularism*. New York: Henry Holt, 2004.
- Keddie, Nikki R. "Secularism and the State: Toward Clarity and Global Comparison." *New Left Review* 226 (1997): 21–40.
- Royle, Edward. *Radicals, Secularists and Republicans: Popular Freethought in Britain, 1866–1915*. Manchester, U.K.: Manchester University Press, 1980.
- Ruedy, John. *Islamism and Secularism in North Africa*. New York: Palgrave Macmillan, 1994.
- Smith, Christian. *The Secular Revolution: Power, Interests, and Conflict in the Secularization of American Public Life*. Berkeley: University of California Press, 2003.
- Tamimi, Azzam, and John L. Esposito, eds. *Islam and Secularism in the Middle East*. London: Hurst, 2000.
- Yared, Nazik Saba. *Secularism and the Arab World: 1850–1939*. London: Saqi Books, 2002.